

شاه‌کلید حل مسائل پسته یا آرزوی دست‌نیافتنی مسئولین؟

طرح شناسنامه‌دارکردن محصول پسته

حجت حسنی‌سعدی
جانشین دبیرکل

طی چند سال اخیر حرف و حدیث‌ها و شایعات پیرامون سلامت محصولات کشاورزی به اوج خود رسیده و این موضوع نقل محافل کارشناسی، عمومی و بعضاً خانوادگی هم شده‌است. عمدتاً افراد با استناد به گزارشات و شنیده‌هایی از منابع موثق و غیرموثق به این موضوع می‌پردازند.

اخیراً اوج این اظهارنظرها و حساسیت‌ها هم‌زمان شد با برگشت چند محموله صادراتی محصولات گلخانه‌ای ایران از برخی از مقاصد صادراتی مانند هند و روسیه، و این چنین بود که آفتاب آمد دلیل آفتاب. هرچند پرداختن به این موضوع از دید کارشناسی و اینکه منطق درست و صحیح در برخورد با این موضوعات چیست، در این فرصت نمی‌گنجد، ولی واقعیت این است که درحال‌حاضر در بسیاری از کشورهای جهان هیچ مقررات و محدودیت رسمی و قانونی برای کنترل آلاینده‌ها از قبیل باقیمانده سموم و آلاینده‌های میکروبی در محموله‌های تجاری پسته وارداتی وجودندارد؛ باید توجه‌داشت که این مسئله صرفاً مورد درخواست برخی از مشتریان خاص در بعضی از بازارهای سخت‌گیر پسته ایران می‌باشد.با این رویکرد، اکثر کشورهای مختلف دنیا این واقعیت را پذیرفته‌اند که در تولید محصولات کشاورزی به‌صورت صنعتی و در سطح تجاری وجود مقادیری از آلاینده‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. در نتیجه، آنها براساس استانداردهای زندگی، سایر مخاطرات تهدیدکنندهٔ سلامتی، فرآیندهای ثانویه و میزان مصرف پسته، استانداردهای کشور خود را در زمینهٔ نحوه نمونه‌برداری، آزمون و تعیین حد مجاز آلاینده‌ها در محموله‌های تجاری و مصرفی پسته، با پروتکل‌های متفاوت و درجات مختلفی از رواداری و حساسیت تنظیم می‌کنند. اما در ایران در مواجهه با این معضل، اقدامات مختلفی از رایزنی‌های سیاسی

گرفته تا طرح‌های پیشگیرانه در مجموعه وزارت جهاد کشاورزی صورت گرفته‌است. طرح ردیابی محصولات کشاورزی از جمله این اقدامات است که برای فراهم ساختن امکان شناسایی منشأ محموله‌های آلوده مطرح شده‌است. اجرای این طرح برای محصولات مورد نظر، مسئولین وزارت جهاد کشاورزی را بر آن داشت تا با تعمیم این طرح به سایر تولیدات کشاورزی در پی حل کلیه مسائل و مشکلات مربوط به حوزه سلامت محصولات کشاورزی کشور بوده و با جدیت در پی اجرای این طرح باشند و زمانبندی مشخصی را نیز برای آن در نظر بگیرند.

اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است؛ طرحی که برای محصولات مشخصی اجرا شده و نحوه اجرای آن باید بررسی شود و هنوز هم نتایج طولانی‌مدت آن برای کسی مشخص نشده‌است، چگونه می‌تواند مشکلات و معضلات همه محصولات کشاورزی را حل کند؟ چگونه می‌توان آن را به کل بخش کشاورزی تعمیم داد و آن را اقدامی سازنده به‌حساب آورد؟ برای پاسخ به این سوال در این نوشتار قصد داریم به تشریح برخی از واقعیات و ساختار و ویژگی‌های ذاتی صنعت پسته ایران بپردازیم و از این طریق در پی پاسخ به این سوالات باشیم که اولاً آیا اجرای طرح ردیابی محصول پسته از باغ امکان‌پذیر است؟ و ثانیاً، در صورت اصرار به اجرای آن، چه تبعاتی می‌تواند دامن‌گیر صنعت پسته کشور شود؟

ساختار تولید پسته ایران

ساختار تولید پسته در ایران ساختاری سنتی و خرده مالکی است که از تعداد انبوهی از واحدهای تولیدی کوچک و متوسط در گستره وسیعی از کل کشور تشکیل شده‌است. میانگین مالکیت باغات پسته ایران زیر ۲ هکتار برآورد می‌شود که همین مالکیت خرد نیز بعضاً ممکن است در قطعات متعدد وجود داشته‌باشد؛ بدین معنی که مالکیت یک باغدار خرد می‌تواند به‌صورت چندین ردیف درخت در چندین نقطه مختلف تعریف شود.

علاوه بر این، تنوع ارقام پسته ایران نیز مؤلفه دیگری است که می‌تواند ابعاد خرده مالکی را پیچیده‌تر کند، زیرا ممکن است در یک باغ ترکیبی از ارقام مختلف نیز وجودداشته باشد که نهایتاً در صورتی‌که مالکیت خرد فعلی را بر مبنای رقم نیز تفکیک کنیم، مساحت‌های باغات را کوچک‌تر می‌کند. هر چند ارقام تجاری پسته ایران در چهار گروه فندقی، کله قوچی، اکبری و احمدآقایی دسته‌بندی می‌شوند، ولی تنوع ارقام در باغات بسیار فراتر از چهار رقم تجاری است، به‌طوری‌که فقط قریب به ۵۰ رقم شناسایی شده در کلکسیون ارقام پژوهشکده پسته کشور وجوددارد. در این بین، خصوصیات متفاوت ارقام و منافع اقتصادی باغدار ایجاب می‌کند که برداشت را نیز به‌صورت تفکیک شده انجام دهد. در نتیجه، در فرآیند ضبط نیز این موضوع در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر آن، تفکیک محصول به‌صورت خندان، ناخندان و سایر محصولات جانبی به خردتر شدن محصول یک باغ نیز می‌انجامد.

ضبط و فرآوری پسته در ایران

تنوع واحدهای ضبط پسته نیز یکی دیگر از واقعیات صنعت پسته ایران می‌باشد و در این بخش نیز چه از نظر امکانات و چه از نظر ظرفیت تنوع بالایی وجود دارد، به‌طوری‌که در این بخش گستره وسیعی از انواع ضبط‌های خانگی با ظرفیت یک تن در روز تا ضبط‌های مکانیزه با ظرفیت ۱۰۰ تن پستهٔ تَر در روز قابل مشاهده‌است. فرآیند ضبط پسته برای هر باغدار، فارغ از میزان مالکیت، بر اساس امکانات و ظرفیت ادوات و تجهیزات ضبط و ظرفیت و تعداد نیروی انسانی برداشت، یک فرآیند تدریجی است و ممکن است چندین روز طول بکشد. به‌طورکلی، در کل کشور این کار طی مدت زمان یک تا دو ماه صورت می‌گیرد.

عرضه محصول توسط باغدار

باتوجه به اینکه پسته جزو خشکبار است و قابلیت نگهداری بالایی دارد، عرضه و فروش این محصول از بلافاصله پس از مرحله ضبط و خشک شدن پسته آغاز می‌گردد و تا حتی بیش از یک‌سال نیز می‌تواند ادامه پیدا کند. مقدار عرضه محصول توسط باغدار باتوجه به اینکه بخش عمده پسته کشور صادر می‌شود، تابع پارامترهای مختلفی اعم از وضعیت بازار جهانی، وضعیت محصول سال بعد، شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و همچنین امکانات انبارش تولیدکننده یا فعالان بازار اعم از حق‌العملکار یا تجار داخلی است که می‌تواند در دفعات مختلف و به‌صورت‌های گوناگون صورت گیرد. بنابراین، این‌طور نیست که محصول پسته یک باغ چه در سطح خرد و یا عمده در یک مرحله و زمان عرضه شود.

باتوجه به ویژگی‌های ساختاری پسته ایران نقش حلقه‌های واسط بین باغدار و صادرکننده (دلال، تاجر داخلی، حق‌العملکار) کامل‌کننده نواقص و ضعف‌های بین نوع عرضه و الزامات صادراتی آن (خصوصا از نظر حجم) می‌باشد و این حلقه‌های واسط نقش موثر و بی‌بدیلی در تأمین حجم محصول و تأمین مالی صنعت پسته برعهده‌دارند.

مختصات صادرات پسته

در سطح بین‌المللی عرضه‌کنندگان اصلی پسته دنیا، کشورهای ایران و آمریکا هستند و صادرات محصول پسته فارغ از اینکه منشأ آن از کدام کشور باشد، از نظر دسته‌بندی، کالایی است که جزو کالاهای فله و مواد اولیه محسوب می‌شود و محصول صادراتی در کشور مقصد بر اساس نوع مصرف، کانال مصرف و ذائقه مشتری فرآوری و عرضه می‌شود. محموله‌های صادراتی پسته عمدتاً در احجام ۲۵ تنی در کیسه‌های ۵۰ کیلویی، ۵۰۰ کیلویی یا هزار کیلویی صورت می‌گیرد.

باتوجه به حجم محموله‌ها و ساختار زنجیره تأمین و عرضه پسته ایران در بخش‌های تولید، ضبط و فروش تا مرحله صادرات، هر محموله پسته ممکن است بسته به مسیر طی‌شده در طول زنجیره از ابتدا تا انتها، به تعداد دفعات بی‌شمار مخلوط و جداسازی شده‌باشد و هیچ نشانی از منشأ اولیه تولید نداشته‌باشد. از این‌رو، در ساختار ذاتاً خرده مالکی و خرده تاجری صنعت پسته ایران در قریب به اتفاق محموله‌های صادراتی، صادرکننده هیچ راهی برای اطلاع از منشاء ماده اولیه خود ندارد و این خصوصیت ناشی از بی‌توجهی صادرکننده نیست، بلکه ناشی از شرایط و ویژگی‌های باغداری و تجارت داخلی پسته ایران است.

مواردی که عنوان شد، چکیده‌ای از ساختار و ویژگی‌های ذاتی صنعت پسته ایران است که منطبق بر واقعیات، شرایط و نیازهای صنعت بوده و در طول زمان و به‌تدریج شکل گرفته‌است. این حلقه‌ها مثل حلقه‌های زنجیر متصل به‌هم بوده و هرگونه تلاش در تغییر در این زنجیره می‌تواند در کارکرد حلقه‌های پسین و پیشین آن اختلال ایجاد کند و کارکرد کل صنعت را تحت تأثیر قراردهد.

ناگفته نماند که اجرای چنین طرح‌های آرمان‌گرایانه‌ای برای پسته ایران، حتی برای ساختار صنعتی و مدرن پسته آمریکا نیز قابل تطبیق نبوده و اساساً برای آنها نیز این موضوع امکان‌پذیر و عملیاتی نیست، چرا که در ساختار پسته آمریکا حدود ۱۳ ضباط با ظرفیت بالا فعالیت می‌کنند که کل پسته دریافتی از باغداران متعدد را در طول روز پس از ضبط در سیلوهای ۷۵۰ تا ۹۰۰ تنی نگهداری و سپس به‌تدریج عرضه می‌کنند.

در ایران، نوع نگاه حاکمیت به موضوع سلامت و امنیت غذایی متفاوت و غیرمنطبق با واقعیت‌ها، شرایط تولید محصولات کشاورزی و نیازهای سلامتی سایر کشورها است. این تفاوت در نوع نگاه منجر به مغایرت و اختلاف‌نظر شدید بین دو بخش می‌شود، چرا که سازمان‌های دولتی خود را متولی و مجری پیاده‌سازی طرح‌های سلامت مواد غذایی می‌دانند و بخش تولید محصولات کشاورزی را بی‌اعتنا نسبت به اهمیت و حساسیت سلامت غذایی قلمداد می‌کنند. نوع نگاه دستگاه‌های دولتی به این قبیل موضوعات جنبهٔ کنترلی و تنبیهی دارد. در حالی‌که به موضوعات اینچنینی باید از جنبهٔ حل مسئله براساس واقعیات تولید نگاه کرد.

در پایان به صراحت باید گفت، اصرار بر اجرای طرح ردیابی محصول از باغ برای محصولاتی مانند پسته، که به نظر می‌رسد بر اساس پیش‌فرض‌های کلی و بعضاً اشتباه استوار است، اگر فاجعه‌ای را برای صنعت پسته رقم نزند در بهترین حالت می‌تواند ضمن ایجاد اختلال در کارکرد کل زنجیره، موجب هدر رفت وقت و سرمایه فعالین این صنعت و تهدیدکننده اشتغال، معیشت و ارتزاق قشر تولیدکنندهٔ خُرد صنعت شود. همچنین این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز توقع و حساسیت بیشتر سایر مشتریان پسته ایران و تهدیدکننده بازارهای صادراتی آن باشد.